

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 21, No. 8, Autumn 2021, 227-248  
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.33727.2050

## **Critique of Settlement Pattern Analysis in Iranian Archaeological Texts**

**Rahmat Abbasnejad Seresti<sup>\*</sup>, Saeid Babamir Satehi<sup>\*\*</sup>**

**Narjes Heydari<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

The settlement Archeology is a common method of analysis that uses scientific methods to study three important components, including individual structures, social settlement, and regional settlement. This method analyzes the relationship between environmental variables and livelihoods and social settlement, reconstructs the socio-economic organizations of past societies, and determines the size, function, distance, and relationship of settlements. The present study has succeeded in identifying more than 80 texts in the form of dissertations, thesis, and scientific-research and extension scientific articles that have directly and indirectly addressed this issue. Less attention to the basic issues and methods of the settlement archeology, and no use of paleontological research to identify environmental variables in the context of the ancient landscape, are the most important methodological and conceptual problems of the texts. To these problems must be added the poor utilization of scientific tools and methods such as Satellite and Aerial Photography, Archaeogeophysics, Virtual Reality, Geographic Information System (GIS) and Statistical Methods. Providing desirable research credits and playing the

\* Associate Professor in Archaeology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author), r.abbasnejad@umz.ac.ir

\*\* PhD Student of Archaeology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, s.babamir@stu.umz.ac.ir

\*\*\* Assistant Professor in Archaeology, Nima Higher Education Institute, Mahmood Abad, Iran,

Date received: 07/05/2021, Date of acceptance: 25/09/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

role of related institutes and universities are among the most important strategies for the correct and scientific implementation of this method.

**Keywords:** Settlement Archaeology; Iranian Archaeological Texts; Methodological and Conceptual Critique; Social Settlement; Regional Settlement.

## نقد رویکرد تحلیل الگوی استقرار در متون باستان‌شناسی ایران<sup>۱</sup>

رحمت عباس‌نژاد سرستی\*

سعید بابامیر ساطحی\*\*، نرجس حیدری\*\*\*

### چکیده

مطالعه الگوی استقرار یک روش تحلیل متداول در باستان‌شناسی دنیاست که با استفاده از روش‌های علمی به مطالعه سه مؤلفه مهم شامل سازه‌های منفرد، استقرار اجتماعی، و استقرار منطقه‌ای می‌پردازد تا رابطه متغیرهای زیست‌محیطی را با معیشت و استقرار اجتماعی تحلیل، سازمان‌های اجتماعی-اقتصادی جوامع گذشته را بازسازی و اندازه، عملکرد، فاصله، و رابطه استقرارها را تعیین کند. در پژوهش حاضر، با روش کتاب‌خانه‌ای و اسنادی، به شناسایی بیش از هشتاد متن در قالب پایان‌نامه، رساله، و مقاله‌های علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی موفق شده‌ایم که مستقیم و غیرمستقیم به این موضوع پرداخته‌اند. کم‌توجهی به موضوعات و روش‌های بنیادین روش تحلیل الگوی استقرار و عدم بهره‌گیری از پژوهش‌های دیرینه‌شناسی به منظور شناخت متغیرهای محیطی در بستر چشم‌انداز باستانی مهم‌ترین مشکلات روش‌شناختی و مفهومی متون موردنقدند. به مشکلات مذکور باید بهره‌برداری‌های ضعیف از ابزارها و روش‌های علمی نظیر عکس‌های

\* دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)  
r.abbasnejad@umz.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده هنر معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران  
s.babamir@stu.umz.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر، مؤسسه آموزش عالی نیما، محمودآباد، ایران  
narges.heydari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳



ماهواره‌ای و هوایی، آرکئوژئوفیزیک، شبیه‌سازی کامپیوتری، نظام اطلاعات جغرافیایی (GIS)، و روش‌های آماری را اضافه کرد. تأمین اعتبارات پژوهشی مطلوب و ایفای نقش پژوهشگاه و پژوهشکده مرتبط و دانشگاه‌های مجری رشته باستان‌شناسی از مهم‌ترین راه‌کارهای اجرای درست و علمی این روش‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل الگوی استقرار، متون باستان‌شناسی ایران، نقد روش شناختی و مفهومی، استقرار اجتماعی، استقرار منطقه‌ای.

## ۱. مقدمه

از دهه ۱۹۵۰ و در آستانه ورود به دوره باستان‌شناسی نو، بازسازی بافت زیست‌محیطی جوامع گذشته اهمیت یافت. یکی از هدف‌ها و مسئله‌های اساسی در این رویکرد، تشخیص و توصیف الگوی استقراری و زیستگاهی برای تحلیل و تبیین ارتباط گروه‌های انسانی با متغیرهای محیطی و طبیعی بوده است. پژوهش‌ها و بررسی‌های گوردون ویلی در پرو (Willey 1953: 155, 453)، رابرت آدامز در دیاله عراق (Adams 1965)، کوانگ چی چانگ در شمال چین (Chang 1958)، ویلیام ساندرز در مکزیک و هندوراس (Sanders 1965)، بینامینو پ. ولتا در آمریکای مرکزی (Volta 2007)، و آندره دبلیو کندل و نیکلاس جان کاندل در جنوب آفریقا (Kandel and Conard 2012) در زمره مهم‌ترین کارهایی بودند که با هدف شناخت فرایندهای فرهنگی از روی الگوی منطقه‌ای، درک ارتباط بین سازمان اجتماعی و الگوهای استقرار، و شناسایی رفتارهای اجتماعی و اقتصادی جوامع گذشته از طریق مطالعات منطقه‌ای انجام شدند.

شناخت الگوی توزیع مکانی محوطه‌ها، وابستگی متقابل استقرارها، روابط درون و برون منطقه‌ای آن‌ها، توالی و عدم توالی سنت‌های منطقه‌ای، و اختلاف و تشابه مناطق طبیعی - فرهنگی از نتایج این روش تحلیل است. درک تغییر الگوی پراکنش استقرارها این پی‌آمدها را به هم راه دارد: ۱. شناخت تغییرات و جابه‌جایی‌های جمعیتی در هر دوره، ۲. آشنایی با نحوه پراکنش عملکرد انسانی در بستر چشم‌انداز، ۳. شناسایی برهم‌کنش‌های محیط اجتماعی و محیط طبیعی. این رویکرد چشم‌انداز منطقه‌ای مطلوبی را درباره استقرارها، زیستگاه‌ها، و تغییرات جمعیتی در طول زمان ترسیم می‌کند (Greenfield et al. 2008: 131). باستان‌شناسان برای توضیح چرایی و چگونگی تعامل انسان و محیط طبیعی از مطالعه چگونگی تأثیرگذاری فعالیت‌های انسان در زمین‌سیمای منطقه ناگزیرند (Volta 2007: 8).

پی آمدهای استقرار و عملکرد انسان در محیط زیست در شکل بناهای انبوه و منفرد، تپه‌ها، آبراه‌ها، راه‌های ارتباطی، مزرعه‌ها، مراتع، معادن، مکان‌گزینی براساس ارتفاع و شیب زمین و منابع آب، و نظایر آن‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این روش که الگوی استقرار باستان‌شناختی (archaeological settlement pattern) یا مطالعه الگوهای استقرار در باستان‌شناسی (settlement patterns in archaeology) نامیده شده است و برخی آن را بخشی از باستان‌شناسی زمین‌سیما (landscape archaeology) می‌دانند، همانند سایر روش‌های تحلیلی در باستان‌شناسی، دارای اصول، ابزار، و مبانی نظری خاص خود است. باستان‌شناسی زمین‌سیما تحولات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و مذهبی جوامع باستان را از طریق شناخت شواهد فعالیت‌های انسان در زیست‌محیط و تشخیص توصیف ارتباط بین آن‌ها را از طریق ابزارهای دیرینه‌شناسی و روش‌های میان‌رشته‌ای رقم می‌زند. زیست‌محیط مذکور شامل بافت‌های طبیعی و فرهنگی است که بسترساز جریان‌های زندگی انسان‌ها در طول قرون و اعصار بوده‌اند (نیک‌نامی ۱۳۸۵: ۱۱). برخی دیگر از مسائل این حوزه عبارت‌اند از: ۱. تحلیل و تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جوامع پیچیده و حکومت‌های اولیه، ۲. طبقه‌بندی محوطه‌ها به صورت سلسله‌مراتب استقرار بر مبنای اندازه، عملکرد، و وجود معماری یادمانی، ۳. بررسی تأثیر الگوهای فرهنگی و شبکه‌های رفتاری انسان در الگوهای زیستی و استقرار (رنفریو و بان ۱۳۹۰: ۲۵۳؛ فاگان ۱۳۸۵: ۵۶۴). در باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران برخی از پژوهش‌های مذکور با موفقیت انجام شده‌اند (see Hole et al. 1969; Kirkby 1977).

نگارندگان مقاله به دو دلیل به نقد علمی این روش در متون باستان‌شناسی ایران تصمیم گرفته‌اند: ۱. نقش تأثیرگذاری که استفاده درست از این روش می‌تواند در ارتقای کیفیت و مطلوبیت پژوهش‌ها ایفا کند، ۲. کاربست نسبتاً وسیعی که مطالعات الگوی استقرار تقریباً در دو دهه اخیر در میان پژوهش‌گران و علاقه‌مندان پیدا کرده است. واکاوی متون مربوط، اعم از مقاله‌های علمی-پژوهشی، مقاله‌های همایشی، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های دانشجویی، نشان داده است که صرف‌نظر از تعدادی از آن‌ها که روش‌مندی و هدف‌مندی مرتبط با این روش را به‌طور نسبی مراعات کرده‌اند، اغلب پژوهش‌های مذکور اشکالات روش‌شناختی و مفهومی دارند. برای صورت‌بندی، قاعده‌مندی، و تأیید تحلیل‌ها و تبیین‌های آن‌ها ضروری است که در روش مورد استفاده در گردآوری و تولید اطلاعات پایه و داده‌پردازی آن‌ها بازنگری‌هایی صورت پذیرد. مقاله حاضر، ضمن ارزیابی شکلی و محتوایی متون یادشده در

چهارچوب نقد علمی، راه‌کارهایی را در زمینه به‌کارگیری مطلوب روش باستان‌شناسی الگوی استقرار مورد تأکید قرار می‌دهد.

## ۲. معرفی کلی متون مورد نقد

با مراجعه به پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایراندک) و جست و جوی کلیدواژه‌های مربوط نظیر الگوی استقرار، شکل‌گیری، عوامل محیطی، و زیست‌محیطی حدود چهل عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد و ده رساله دکتری در این زمینه شناسایی شده‌اند.

با بررسی پایگاه‌های اطلاعاتی موجود نورمگز، مگیران، سیویلیکا، و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، حدود ۳۵ مقاله علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی در این زمینه به‌نگارش درآمده است و مقالات موجود به‌شرح زیر در مجلات مربوط، در خلال دو دهه اخیر، چاپ شده‌اند.<sup>۲</sup>

## ۳. نقد شکلی متون مورد نقد

نویسندگان متون مورد نقد اهداف و پرسش‌های خود را در قسمت چکیده، مقدمه، و گاه در روش و شیوه پژوهش این‌گونه بیان کرده‌اند: ۱. مطالعه نقش عوامل زیست‌محیطی در شکل‌گیری، توسعه، و فروپاشی استقرارهای دوران مختلف زندگی بشر، ۲. چرایی و چگونگی نحوه پراکنش استقرارهای انسانی در زیست‌بوم‌های مورد مطالعه، ۳. بررسی و تحلیل علل افزایش یا کاهش استقرارها و جمعیت، ۴. تحلیل برهم‌کنش‌های فرهنگی منطقه‌ای در زمینه شکل‌گیری، توسعه، و فروپاشی استقرارها، ۵. شناسایی ارتباطات درون و برون منطقه‌ای، ۶. بررسی مسائل مربوط به شیوه معیشت انسان‌ها در دوران مختلف فرهنگی، ۷. آزمون برخی از نظریه‌ها نظیر سلسله‌مراتب استقراری، مکان‌مرکزی، حوزه‌گیری، ارتباطات درون‌استقرار و درون منطقه‌ای، و نظایر آن‌ها.

در اغلب متون مورد نقد، صرفاً چگونگی پراکنش استقرار و تأثیر عوامل محیطی در شکل‌گیری الگوی استقرارها مورد توجه قرار گرفته است. در عنوان و واژگان کلیدی این متون نیز با اصطلاحات و مفاهیم گوناگونی نظیر استقرار، استقرارگاه، زیستگاه، محوطه، و سکونتگاه روبه‌رو می‌شویم که هرکدام از این مفاهیم بار معنایی خاص خود را دارند. این درحالی است که در متون غیرفارسی از استقرار (settlement) یا الگوی استقرار

نقد رویکرد تحلیل الگوی استقرار ... (رحمت عباس نژاد سرستی و دیگران) ۲۳۳

(settlement pattern) استفاده شده است که باعث یک‌پارچگی و تمرکز اهداف و روش‌ها در متون شده است.

#### ۴. نقد محتوایی متون

##### ۱.۴ انسجام و نظم منطقی متون

چگونگی فصل‌بندی، اجزاء، و عناصر هر متن باستان‌شناسی به نوع مسائل تحقیق بستگی دارد که البته اغلب متون دارای این ویژگی مثبت‌اند، ولی از آن‌جاکه پرسش‌های اغلب متون و مقالات موردنقد بر مبنای درک دقیق و کامل از باستان‌شناسی الگوی استقرار تدوین نشده‌اند، در انسجام و نظم منطقی آن‌ها قدری ضعف مشاهده می‌شود.

##### ۲.۴ ارزیابی منابع و ارجاع‌دهی

بر اساس ارجاعات درون‌متنی و پایانی، می‌توان امتیاز مطلوبی را از لحاظ استفاده از منابع اصلی و تخصصی به این متون اختصاص داد. با وجود این، عدم بهره‌برداری دقیق از منابع باعث بروز مشکلات روش‌شناختی و مفهومی در آن‌ها شده است. به برخی از موضوعات در بعضی از متون ارجاعات بسیار زیادی داده شده و در مقابل به برخی از موضوعات هیچ ارجاعی داده نشده است. استفاده از منابع و مراجع مطلوب و مناسب، ضمن ارتقای کیفی مباحث مطرح‌شده در متون موصوف، می‌تواند راه‌نمای خوبی برای علاقه‌مندان، پژوهش‌گران، و دانشجویان باشد. در برخی از متون، پیشینه‌های پژوهشی غیرضروری و نامرتب دربارۀ منطقه مورد مطالعه نگاشته شده که باعث تطویل و خسته‌کننده شدن مطالب شده است.

##### ۳.۴ وضعیت پرسش‌محوری و نقد سایر نظریات علمی

به‌منظور ارزیابی و نقد متون مورد بحث از منظر پرسش‌محوری، باید درباره چند مؤلفه مهم در باستان‌شناسی الگوی استقرار اندکی بحث کنیم:

۱. **سازه‌های منفرد:** توصیف و تحلیل برخی سازه‌های منفرد از طریق مطالعات قوم‌نگاری به تحلیل الگوی استقرار کمک می‌کند. پژوهشی که در مناطق بومی نشین ایالات

متحده صورت پذیرفت نشان داد که بین خانه‌های مدور و زندگی موقت کوچ‌روی ارتباط وجود دارد. این درحالی است که جمعیت‌های کم‌تحرک کشاورز خانه‌های مستطیل شکل دارند (Robbins 1966). نقشه، اندازه، و عملکرد سازه هم‌چنین می‌تواند ساختار و نوع خانواده (گسترده یا هسته‌ای)، تخصصی یا غیرتخصصی بودن مشاغل، و نوع سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی یک جامعه را مشخص کند (Parson 1972: 137). کشف رابطه موجود بین گونه‌های خاصی از ساختمان‌ها و انواع مختلفی از ساختارهای اجتماعی نیز از طریق این مؤلفه امکان‌پذیر است (Trigger 1967: 152). نوع نقشه، اندازه، مصالح، و موقعیت خانه‌ها در بافت‌های باستان‌شناختی با سطح پیچیدگی‌های اقتصادی-اجتماعی جوامع رابطه دارد. یکی از کارهای شاخص در این زمینه که در ایران انجام شده پژوهش‌های ویلیام سامنر در فارس است که از روش‌های قوم‌باستان‌شناسی و تحلیل الگوی استقرار بهره‌برده است (Sumner 1972).

**۲. استقرار اجتماعی:** الگوی استقرار جامعه یکی از موضوعات الگوی استقرار در باستان‌شناسی است (Parson 1972: 137) که با پشتیبانی داده‌های قوم‌نگاری به بازسازی ساختار و اندازه خانه، روستا، خانواده، خاندان، دودمان، و سازمان جوامع گذشته می‌پردازد. نقشه و توزیع فضایی بناها می‌تواند متأثر از سازمان اجتماعی و سیاسی جوامع نیز بوده باشد (فاگان ۱۳۸۵: ۵۶۸). عواملی چون امنیت و بازدارندگی در برابر تهاجم حیوانات وحشی و سایر گروه‌های انسانی و اقوام، راه‌های دسترسی، و منابع آب و رودخانه‌ها در تعیین موقعیت، نقشه، و مصالح محل‌های سکونت و زندگی تأثیرگذار بودند. دائم یا موقت بودن یک استقرار و محوطه موضوع مهم دیگری در مطالعه الگوی استقرار جامعه است که از طریق تحلیل رابطه متغیرهای زیست‌محیطی با معیشت و اقتصاد آن استقرار اجتماعی مشخص می‌شود (Roberts 2003). مسئله دیگری که باید در الگوی استقرار جامعه مورد توجه قرار گیرد، بناها و بقایای معماری غیرعادی و غیربومی در یک استقرار اجتماعی است. این وضعیت شاید اغلب مختص جوامع حاکم‌نشین و حکومتی بوده باشد. این بناها احتمالاً باید به گروه‌های غیربومی، اقلیت‌های قومی، سیاسی، و مذهبی، نمایندگان سیاسی، و حتی پناهندگان سیاسی تعلق داشته باشند که احتمال کشف اشیای غیرمحل‌ی در آن‌ها زیاد است (فاگان ۱۳۸۵: ۵۷۵). تحلیل و تفسیر توزیع دست‌افزارها در بخش‌های استقرار یک محوطه نیز راهی برای شناخت عملکرد بخش‌های مسکونی و درک تمایزات مختلف شغلی است. در موضوعات متون موردنقد اساساً چنین مباحثی مشاهده نمی‌شوند.



۳. **استقرار منطقه‌ای:** توزیع پراکندگی منابع طبیعی و متغیرهای زیست‌محیطی از شاخص‌های مهم استقرارگزینی به‌شمار می‌روند و زمینه را برای تحلیل رابطه استقرارهای اجتماعی منطقه با منابع و متغیرهای مذکور فراهم می‌کنند. الگوی استقرار منطقه‌ای هم‌چنین شامل مواردی چون توزیع اندازه، عملکرد و فاصله استقرارها، و نوع روابط آنها با یکدیگر نیز می‌شود. در صورت تعیین و تشخیص عملکرد استقرارها در یک منطقه شاید بتوان رابطه فضایی بین محوطه‌ها را ترسیم کرد، چیدمان سیاسی و زیست‌محیطی آنها را مشخص کرد، و استنتاج‌های محدودی درباره ساختار و روابط اجتماعی و سیاسی منطقه و محوطه‌های مورد مطالعه به‌عمل آورد (Trigger 1967: 152). این مباحث در چهارچوب تحلیل‌های منطقه‌ای در باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران و بین‌النهرین مطرح شده‌اند (Johnson 1977; Sumner 1979).

برآورد جمعیت در سطح منطقه یکی از موضوعات مورد توجه در پژوهش‌های الگوی استقرار است که از طریق رابطه‌ای که بین متغیرهایی نظیر وسعت محوطه‌ها، میزان منابع طبیعی موجود، نوع معیشت و اقتصاد، سطح فناوری جامعه، سطح پیچیدگی‌های اجتماعی و مذهبی استقرارها، و داده‌های قوم‌نگاری ایجاد می‌شود تعیین می‌شود. در صورت عدم ترسیم رابطه‌ای علمی و منطقی بین متغیرهای یادشده، به‌روشنی نتیجه‌ای اشتباه و فریبنده در تخمین جمعیت منطقه به‌دست خواهد آمد. بدان معنا که اگر متغیرهای یادشده به‌خوبی شناخته و محاسبه نشوند و میزان تأثیر آنها در جمعیت تعیین نشود، نتیجه برآورد جمعیت اشتباه خواهد بود. در واقع، هر یک از متغیرهای پیش‌گفته سهم مشخصی در تعیین میزان جمعیت دارند که باید شناخته شوند. نتایج غیرعلمی و نادرست برآورد جمعیت زمانی مشکل‌زاتر خواهند شد که از آنها در تحلیل‌هایی چون بازرگانی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و هم‌چنین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جوامع حکومتی و حکومت‌ها استفاده شود. پژوهش‌های نسبتاً موفق در این زمینه در ایران انجام شده است که بخشی از نتایج آنها هنوز قابل بهره‌برداری و ارجاع‌دادن‌اند (Wright and Johnson 1975).

موضوع دیگری که در مطالعات الگوی استقرار منطقه‌ای مطرح شده است نحوه سلسله‌مراتب سازمانی استقرارهای باستانی است که از طریق نظریه مکان مرکزی (central place theory) توضیح داده شده است (Christaller 1966). این روش تحلیل، که در برخی از متون مورد نقد مورداستفاده قرار گرفته است، یک پرسش مهم را پیش می‌کشد. مکان‌های مرکزی تحت شرایط ایدئال با اندازه و فرم یک‌سان در فواصل تقریباً یک‌نواختی

با مراکز ثانویه تأسیس می‌شدند که هرکدام نیز به‌سهم خود با واحدهای کوچک‌تر ارتباط برقرار می‌کردند (Darvill 2002: 76) و یک نقشه هندسی منظم منطقه‌ای را به‌وجود می‌آوردند. آیا این الگو در همه زیست‌محیط‌ها و از جمله در مناطق مختلف آسیای جنوب غربی و بخش‌های گوناگون فلات ایران قابلیت کاربست دارد؟ پاسخ این پرسش به‌طبع منفی است.

در متون مذکور، در اغلب موارد، اصول و مبانی نظری رویکردها و نظریه‌های مرتبط نظیر نوسنگی‌شدن و تولید غذا، مطالعات دیرین‌آب‌شناسی، دیرین‌اقلیم‌شناسی، باستان‌جانورشناسی، باستان‌گیاه‌شناسی، باستان‌شناسی محیطی، و باستان‌شناسی چشم‌انداز در مقدمه یا در یک فصل مستقل تشریح شده‌اند، ولی ارتباط مستقیم و دقیقی با بخش‌های بحث و تحلیل برقرار نمی‌کنند.

#### ۴.۴ انطباق و جامعیت موضوعی و محتوایی متون

پژوهش‌های الگوی استقرار در باستان‌شناسی دارای سرفصل‌های مشخصی نظیر بناهای منفرد، استقرار جامعه، و استقرار منطقه است که در بخش قبلی (پرسش محوری) توضیحاتی در این خصوص ارائه شد. در متون موردنقد، تنها به سرفصل استقرار منطقه پرداخته شده است. میزان انطباق و جامعیت اغلب متون، هم از لحاظ روش‌شناسی موضوعی و هم از نظر داده‌پردازی اطلاعات و استفاده از ابزارها و روش‌های تحلیل، قابل‌ارزیابی و نقد است. برخی موضوعات متون مذکور که به‌طور برجسته موردبحث قرار گرفته‌اند، اهمیت و جایگاه قابل‌توجهی در تحلیل الگوی استقرار دارند که البته ناقص و به‌اشتباه انجام شده‌اند. برآورد مساحت و تخمین جمعیت یکی از این موضوعات است که به‌درستی انجام نشده است. یکی دیگر از مباحث اولیه و محوری در باستان‌شناسی تعیین حدود زمانی پژوهش از طریق گاه‌نگاری‌های نسبی، مطلق، و گونه‌شناسی مواد فرهنگی نظیر سفال است. برای تحلیل الگوی استقرار در سطح استقرار و منطقه و هم‌چنین مطالعه برهم‌کنش‌های فرهنگی ضروری است که چهارچوب‌های گاه‌نگاری مشخص و دقیقی برای هریک از دوره‌ها در اختیار باشد. بررسی متون موردنقد نشان می‌دهد که در اغلب آن‌ها استفاده‌ای از گاه‌نگاری مطلق نشده است و در زمینه بهره‌برداری از گاه‌نگاری نسبی نیز ضعف دیده می‌شود.

## ۵.۴ به کارگیری ابزارهای علمی

گفتیم که در روش تحلیل الگوی استقرار با دو محیط سروکار داریم: محیط طبیعی و محیط اجتماعی. عوامل محیط طبیعی شامل اینهاست: متغیرهای توپوگرافیک و زمین‌شناختی مانند ارتفاع از سطح دریا، شیب نقاط، نوع خاک، پوشش گیاهی، پوشش جانوری، منابع آب، و نظایر آنها. عوامل محیط اجتماعی نیز شامل متغیرهایی‌اند که روابط فرهنگی، عقیدتی، اجتماعی، و سیاسی انسان را با زمین‌سیما شکل می‌دهند (نیک‌نامی و دیگران ۱۳۸۶: ۱۹۷). به کارگیری ابزارها و روش‌های درست بررسی روش‌مند منطقه‌ای به تعریف و بازسازی الگوی استقرار یک منطقه یک‌پارچه و گسترده منجر می‌شود و درک توسعه و چرخه سیاست منطقه‌ای و تعامل بین مراکز و محل‌ها را میسر می‌سازد (Underhill et al. 2008: 24). بررسی سطحی میدان‌به‌میدان (field-by-field surface survey) مبتنی بر عکاسی‌های عمودی در مقیاس بزرگ و تحلیل عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای بررسی‌های فراگیر منطقه‌ای (full-coverage regional survey) و بررسی‌های فشرده منطقه‌ای (intensive regional survey) باعث شناسایی الگوهای درحال تغییر استفاده از زمین، تأثیر فعالیت‌های ویرانگر انسانی در نابودی محوطه‌ها، گسترش جمعیت، و تحولات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی می‌شوند. عکس‌های هوایی امکان مشاهده مجموعه بزرگی از عوارض طبیعی و مصنوعی را به‌طور هم‌زمان و به‌منظور تشخیص رابطه احتمالی میان آنها فراهم می‌کنند. درغیراین‌صورت، تصویر و بازسازی نادرستی درباره چگونگی پراکندگی محوطه‌های باستانی در هر منطقه حاصل خواهد شد (علی‌بیگی و خسروی ۱۳۸۷: ۷). آرکتوزئوفیزیک نیز امکان شناسایی بقایای فرهنگی و محوطه‌های پنهان در زیر پوشش گیاهی یا رسوبات آبرفتی را بدون حفاری میسر می‌سازد.

شبیه‌سازی کامپیوتری (virtual reality) موسوم به VR برای تهیه تصاویر سه‌بعدی از محوطه‌ها و زمین‌سیماهای باستانی استفاده می‌شود (لباف خانیکی ۱۳۸۵: ۱۱۸-۱۲۱). استفاده از نظام اطلاعات جغرافیایی (geographic information system) موسوم به GIS نیز کاربرد فراوانی در این روش دارد. از طریق تحلیل داده‌ها و فاکتورهای حاصل از این دو روش، نتایج ارزش‌مندی درباره گسترش استقرارها، الگوهای استقرار، مکان‌های مرکزی، مسیرهای ارتباطی، منابع طبیعی، تعیین وضعیت استقرارها از نظر کوچ‌روی و یک‌جانشینی، تبیین گاه‌نگاری‌ها، و بررسی تأثیر اقلیم در فرهنگ محلی جوامع کوچ‌رو حاصل می‌شود (نیک‌نامی و دیگران ۱۳۸۵). برخی از روش‌های آماری نیز در تحلیل چگونگی پراکندگی

محوطه‌های باستانی کاربرد دارند. سه آزمون آماری به نام‌های منحنی لورنز (Lorenz Curve)، شاخص توزیع نقطه‌ای (point distribution index)، و شاخص نزدیک‌ترین همسایه (nearest neighbor index) که برای تحلیل پراکندگی روستاهای امروزی در فضای جغرافیایی (عظیمی ۱۳۸۰) استفاده می‌شوند، برای تعیین الگوی استقرارهای باستانی نیز قابل بهره‌برداری اند.<sup>۳</sup> شکل و وسعت محوطه‌ها و استقرارها، که در برآورد جمعیت قابل استفاده اند، تحت تأثیر فرایندهای بعد از رسوب گذاری به‌ویژه تخریب، تدفین، و رسوب گذاری مجدد قرار دارند. اندازه هر محوطه با اندازه عناصر استقراری و الگوهای رفتاری ساکنان آن مرتبط است (Fletcher 1986: 59-60).

کار تخمین جمعیت باستانی بدون شناسایی دقیق این فرایندها و الگوها ناممکن است. اساساً تعیین وسعت واقعی محوطه‌ها و دوره‌های فرهنگی آن‌ها بدون تعیین عرصه، حریم، و گمانه‌زنی‌های مرتبط ناممکن است. این درحالی است که در اغلب متون موردنقد برآورد جمعیت استقراری و منطقه‌ای براساس محاسبه‌ای ساده (مساحت محوطه  $\times$  میانگین جمعیت در هکتار بر مبنای پیش‌نهادهای باستان‌شناختی) انجام شده است. ارزیابی متون موردنقد بیان‌گر آن است که روش‌های مذکور در برخی از پژوهش‌ها به‌صورت ضعیف مورد استفاده قرار گرفتند و در دیگر پژوهش‌ها بهره‌برداری خاصی از آن‌ها به‌عمل نیامده است.

#### ۶.۴ استفاده از اصطلاحات تخصصی

پیش‌ازاین، گفته شد که اصطلاحات تخصصی این حوزه پژوهش با معادل‌ها و ترجمه‌های گوناگونی در این متون به‌کار رفته‌اند. اصطلاحاتی نظیر مطالعه الگوی استقرار، روش تحلیل الگوی استقرار، تحلیل عوامل استقرارگزی، بررسی متغیرها و مؤلفه‌های استقرارگزی، تحلیل توزیع فضایی استقرارها، تحلیل الگوی زیستی و مکان‌گزی محوطه‌ها، نقش عوامل محیطی در شکل‌گیری استقرارها، تحلیل تأثیر زمین‌سیما در شکل‌گیری، پراکنش، و افول استقرارها، و نگرشی بر منظر باستان‌شناسی و تحولات فرهنگی استقرارها. درحالی‌که در متون جهانی باستان‌شناسی از عبارت‌ها و واژه‌های archaeological settlement archaeology، settlement patterns، و settlement pattern approaches استفاده شده است. از نظر نگارندگان، روش تحلیل الگوی استقرار در باستان‌شناسی اصلی‌ترین و مناسب‌ترین معادلی است که برای استفاده در متون فارسی پیش‌نهاد می‌شود.

بهره‌گیری از واژه‌های تخصصی و نام کسان و مکان‌ها و ارائه زیرنویس، پی‌نوشت، یا تنظیم پیوست‌هایی در چهارچوب واژه‌نامه‌ها برای تعریف و آشنایی بیش‌تر مخاطبان با این واژه‌ها و نام‌های اختصاصی امری ضروری است که جای خالی آن‌ها در اغلب متون احساس می‌شود.

## ۵. نقد و تحلیل روش شناختی متون

روش تحلیل الگوی استقرار در باستان‌شناسی اساساً و طبعاً از لحاظ روش شناختی دارای محدودیت‌هایی است. عدم تمرکز برخی باستان‌شناسان این حوزه به درک ابعاد استقرارها و عملکرد آن‌ها در سطوح محلی و منطقه‌ای و بی‌توجهی به مسئله شناخت ساختارهای جوامع باستانی (Trigger 1967: 151) و غافل‌شدن از برخی داده‌ها، باوجود مواجهه باستان‌شناسان با انبوه داده‌های استقراری و ثبت و ضبط آن‌ها در سطحی وسیع، مثال‌هایی از این‌گونه محدودیت‌ها (cited Volta 2007: 22). بنابراین، در چنین وضعیتی، چنان‌چه محدودیت‌های دیگری که معمولاً در پژوهش‌های موردنقد ملاحظه می‌شوند به محدودیت‌های پیشین اضافه شوند، نتیجه قابل‌استفاده‌ای از مطالعات الگوی استقرار حاصل نمی‌شود.

بخش اعظم پژوهش‌های موردنقد به توصیف‌های مشابه و تحلیل‌های نرم‌افزاری مشخص و رایانه‌ای، بدون تفسیر و تأویل، اختصاص یافته است. لذا خواننده با حجم فراوانی از اطلاعات مشابه و خسته‌کننده روبه‌رو می‌شود. بیان جامع و کامل مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اصلی محیطی منطقه در چشم‌انداز باستانی‌اش امری بنیادین و ضروری در روش تحلیل الگوی استقرار است، اما ارزیابی متون نشان داده است که این موضوع در تعداد اندکی از آن‌ها، آن‌هم به‌صورت موردی، رعایت شده است. روش گردآوری اطلاعات در اغلب پژوهش‌های موردبحث از طریق روش‌های مختلف بررسی‌های میدانی و گاهی نیز از طریق روش کتاب‌خانه‌ای و اسنادی بوده است. اساساً بررسی‌های میدانی اهداف، روش‌ها، مراحل تشخیصی - توصیفی، و تحلیلی - تبیینی خاصی دارند و گاهی استفاده داده‌های حاصل را در زمینه تحلیل الگوی استقرار سخت و گاهی ناممکن می‌کند. علاوه بر آن، همان‌گونه که پیش‌ازاین گفته شد، مشکلات روش شناختی اساسی در بررسی‌های باستان‌شناسی وجود دارد. به‌عنوان مثال، در اغلب گزارش‌های بررسی‌های میدانی، دوره‌های زمانی با اصطلاحاتی چون پیش از تاریخ، تاریخی، و اسلامی مشخص و

ثبت شده‌اند. گاهی یک محوطه را براساس داده‌های سطحی در هر سه دوره ثبت کرده‌اند و وسعت فعلی آن را برای هر سه دوره و تمامی مراحل آن‌ها در نظر گرفته‌اند. صرف‌نظر از این‌که این داده‌های کلی غیرقابل استناد و غیرعلمی اهداف برنامه‌های بررسی باستان‌شناسی را تأمین نمی‌کنند، هیچ‌گونه کاربردی نیز در باستان‌شناسی الگوی استقرار ندارند. اتکا به این‌گونه داده‌ها در برخی از متون موردنقد به شکل‌های پیش‌پاافتاده زیر دیده شده است:

۱. جایابی محوطه‌ها روی نقشه، ۲. جایابی عوامل محیطی روی نقشه، ۳. تحلیل ارتباط محوطه‌ها و عوامل محیطی و بررسی نقش عوامل مذکور براساس مبانی و روش‌های تحلیل الگوی استقرار، ۴. عدم درج توضیحات و تصاویر یافته‌های فرهنگی حاصل از بررسی‌های مذکور و ناچاربودن مخاطب به پذیرش آنچه بدان‌ها استناد و ارجاع داده شده است.<sup>۴</sup>

به‌منظور ارزیابی بهتر، در ادامه به چگونگی استفاده متون موردنقد از عوامل و متغیرهای محیطی می‌پردازیم که به دو گروه پایدار و ناپایدار تقسیم می‌شوند.

## ۱.۵ ارتفاع از سطح دریا

این عامل در تحلیل چرایی و چگونگی مکان‌گزینی در ادوار مختلف زندگی بشر از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین، چگونگی گروه‌بندی ارتفاعی در پژوهش‌ها بسیار مهم‌اند. این گروه‌بندی‌ها در متون موردنظر معمولاً بدون در نظر گرفتن شرایط و اقتضائات محیطی و برای تمامی مناطق تقریباً به‌طور یک‌سان و مشابه صورت پذیرفته و از طریق داده‌پردازی در نرم‌افزارهای مربوطه نتایج و نمودارهایی حاصل شده است که ظاهری جذاب دارند، ولی به بررسی علمی چرایی و چگونگی استقرارگزینی هیچ‌کمکی نمی‌کنند. گاهی این اختلاف ۱۵۰ متر و حتی کم‌تر در نظر گرفته شده است. ارتفاع از سطح دریا رابطه مستقیمی با متغیرهایی نظیر میزان بارش، تنوع آب‌وهوایی، دامنه دما، و نوع و میزان پوشش گیاهی و جانوری منطقه جغرافیایی مورد مطالعه دارد. بنابراین، این گروه‌بندی‌های ارتفاعی در صورتی معنادار خواهند بود که در تعریف آن‌ها متغیرهای مذکور و سایر شرایط محیطی لحاظ شوند.

## ۲.۵ نزدیکی به منابع آب

اهمیت اشکال گوناگون منابع آبی (دریا، دریاچه، تالاب، رود، رودخانه، چشمه، آبشار، چاه و قنات، آب‌گیر، و مواردی از این قبیل) در ایجاد و گسترش استقرارهای انسانی و معیشت

و اقتصاد آن‌ها بر هیچ‌کس پوشیده نیست، اما استفاده از این عامل ناپایدار محیطی در تحلیل الگوی استقرار نباید با ساده‌انگاری صورت پذیرد. باید نکاتی را در این زمینه مورد توجه قرار داد: ۱. دائمی، فصلی، و اتفاقی بودن رودها، ۲. طغیان‌ها و سیلابی شدن رودخانه‌ها، ۳. پیش‌روی‌ها و پس‌روی‌های دریاها و دریاچه‌ها، ۴. محاسبه تغییر مسیر رودها در مناطق مختلف و در بازه‌های زمانی گوناگون، ۵. تعیین وضعیت هریک از منابع آبی یادشده در برش یا مقاطع زمانی مورد مطالعه.

در اغلب متون مورد نقد، نقش تمامی اقسام منابع آبی در استقرارگزینی صرفاً به واسطه دوری و نزدیکی حال حاضر آن‌ها به استقرارها سنجیده و تحلیل شده و توجهی به شرایط و مختصات مذکور در بالا نشده است. به طبع تغییر مسیر رودخانه‌ها، کم‌آبی و پرآبی آن‌ها، پیش‌روی‌ها و پس‌روی‌های دریا، و شرایطی از این قبیل در بازه‌های زمانی خاصی اتفاق می‌افتادند که تأثیر آن‌ها در استقرارگزینی در پژوهش‌های مورد نقد نه براساس برش‌های زمانی مشخص و معین، بلکه به صورت کلی انجام پذیرفته است. داده‌های دیرین اقلیم‌شناسی، دیرین‌آب‌شناسی، و جغرافیایی از یک سو و داده‌های مردم‌نگاری از سوی دیگر در این زمینه مفید و راه‌گشایند.

### ۳.۵ نزدیکی به راه‌های ارتباطی و باستانی

رابطه ایجاد راه‌های ارتباطی و استقرارها رابطه‌ای دوسویه است. شناخت دقیق این رابطه‌ها در پژوهش‌های تحلیل استقرار مهم‌اند. برقراری روابط درون و برون منطقه‌ای از طریق این راه‌ها میسر بوده است. راه‌ها نیز، همانند دیگر متغیرها، دست‌خوش تغییر مسیر در طول تاریخ شده‌اند. اغلب پژوهش‌های مورد نقد با یک تحلیل بسیار ساده دوری و نزدیکی استقرارها را با راه‌های امروزی ارزیابی کرده‌اند. شناخت دقیق مسیر راه‌های ارتباطی گذشته بسیار دشوار و در اکثر مواقع ناممکن است. باستان‌شناسان از نحوه پراکنش محل‌ها و استقرارهای باستانی (نظیر تپه‌ها، کاروان‌سراها، دژها، بقایای سنگ‌فرش‌ها، نقش برجسته‌ها، و میل‌های راه‌نما) و هم‌چنین داده‌های قوم‌نگاری (ایل‌راه‌ها) به شناسایی راه‌های قدیمی مبادرت می‌کنند، درحالی‌که ابهام و مشکل جدی در شناخت راه‌ها در هریک از مراحل زمانی گذشته وجود دارد، پژوهش‌گران مورد نظر به گروه‌بندی راه‌های امروزی در فواصل صد تا دویست متری با محوطه‌ها مبادرت ورزیده‌اند تا این رابطه را تحلیل و تفسیر کنند.

## ۴.۵ میزان شیب

این عامل در تعیین کاربری اراضی مهم است. نتیجه یک تحقیق، ضمن تقسیم‌بندی شیب زمین به انواع مختلف، شیب‌های مناسب برای فعالیت‌های کشاورزی، معماری، و شهرسازی را مشخص کرده و پیشنهاد داده است. به‌عنوان مثال، زمین‌های دارای شیب بالاتر از بیست درصد اغلب برای زراعت مناسب نیستند (فرهودی ۱۳۷۰: ۷۸-۸۴). اگرچه این پیشنهادها مربوط به فعالیت‌های امروزی است، دست‌کم به ما نشان می‌دهد که لازم است برای دستیابی به استانداردهایی در زمینه گروه‌بندی شیب‌های زمین و بررسی تأثیر آنها در استقرارگزینه‌های باستانی تلاش کنیم. در بسیاری از پژوهش‌های موردنقد، شیب‌ها با یک درجه اختلاف و حتی کم‌تر از آن تقسیم‌بندی شدند که معنادار نیستند و کمک خاصی به تحلیل رابطه استقرارگزینه‌ی و شیب زمین نمی‌کنند.

## ۵.۵ جهت شیب

جهت شیب حداکثر تغییرات شیب است که میزان آن برحسب زاویه بیان می‌شود. مهم‌ترین موضوع در بررسی جهت شیب مقدار انرژی خورشیدی است که زمین و خاک دریافت می‌کنند؛ درجه هوا، نوع خاک، و مقدار آب در دسترس خاک از طریق مقدار این انرژی مشخص می‌شود (سرشوق و دیگران ۱۳۹۱: ۷۸). موارد مذکور باعث تفاوت در نوع پوشش گیاهی و به‌تبع آن تغییرات در سایر عناصر اقلیمی می‌شوند که یکی از عوامل تأثیرگذار در چگونگی الگوی استقرارند. این متغیر در اغلب متون موردنقد مطرح شده، ولی بهره‌برداری زیادی از آن در تحلیل‌ها و تفسیرهای مربوط به‌عمل نیامده است. در متون مذکور، تنها به این نکته اکتفا شده است که استقرار یا استقرارهای موردبحث در چه درصدی از شیب زمین و در چه جهت‌هایی از نور خورشید قرار گرفته‌اند.

## ۶.۵ کاربری اراضی

کاربری اراضی در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای بسته به توان طبیعی، نوع خاک، شیب، ارتفاع، اقلیم، و مواردی از این قبیل به انواعی نظیر مسکونی، کشاورزی، صنعتی، تجاری، معدنی، و خدماتی تقسیم می‌شود و در حوزه آمایش سرزمین و تصمیم‌سازی‌های توسعه کاربرد دارد. بهره‌برداری درست از این متغیر نقش مهمی در بازسازی شیوه معیشت ساکنان منطقه مورد مطالعه ایفا می‌کند. در پژوهش‌های الگوی استقرار، این پیش‌فرض



موردتوجه است که احتمالاً زمین‌هایی که امروزه دارای کاربری‌های کشاورزی، مرتع، و نظایر آنها هستند در دوره‌های گذشته نیز همین کاربری را داشته‌اند (مقصودی و دیگران ۱۳۹۱: ۱۱۸). ملاحظه می‌شود که پیش‌فرض چندان مستحکمی نیست. باوجوداین، با رعایت شرایطی خاص قابل‌استفاده است. در بیش‌تر متون موردنقد، فقط به جنبه‌های کشاورزی، مرتعی، و جنگلی توجه شده و به این کاربری‌ها با نمره‌هایی هم‌چون خوب، متوسط، و ضعیف امتیاز داده شده است. بهترین روش برای تعیین کاربری‌های اراضی دوره‌های گذشته انجام پژوهش‌های دیرین‌اقلیم‌شناسی و دیرین‌گیاه‌شناسی در منطقه مورد مطالعه است که به‌دلیل پرهزینه‌بودن و نبود امکانات و ابزارهای لازم به‌ندرت موردتوجه محققان داخلی قرار گرفته‌اند.

## ۷.۵ پوشش گیاهی

شناخت تنوع پوشش گیاهی به درک رژیم غذایی ساکنان مناطق مورد مطالعه و چگونگی ارتباط استقرارهای باستانی با زیست‌محیط در تأمین معیشت یا دست‌یابی به اقتصاد کشاورزی و دام‌داری و اتخاذ الگوی اسکان دائمی، موقت، و کوچ‌رو کمک می‌کنند. در این‌جا نیز پژوهش‌های دیرین‌اقلیم‌شناسی، دیرین‌گیاه‌شناسی، جغرافیا، و زمین‌شناسی مفید و راه‌گشایند که معمولاً پژوهش‌های موردبحث بهره‌ زیادی از این‌گونه تحقیقات نبرده‌اند.

## ۸.۵ وضعیت اقلیمی، بارش، و دما

این متغیرها شاید از اصلی‌ترین و مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر ویژگی‌های زیست‌محیط‌ها باشند، به‌طوری‌که وقوع تغییرات هرچند ناچیز در آن‌ها اجزای مختلف محیط طبیعی را متأثر و دگرگون می‌سازد (نقی‌پور دهکردی و دیگران ۱۳۹۲: ۱). عوامل مؤثر در شکل‌گیری اقلیم‌های متنوع عبارت‌اند از: مختصات جغرافیایی، ارتفاع، دوری و نزدیکی به دریا، پوشش‌های سطحی، ناهمواری‌ها، نظام‌ها و جریان‌ات بزرگ‌مقیاس و کوچک‌مقیاس، ترکیبات شیمیایی جوی، پدیده‌های منظم و طبیعی، پدیده‌های اتفاقی (نظیر زلزله و آتش‌فشان)، و چرخه‌های نجومی منظم (سبزی‌پرور و هلالی ۱۳۹۳: ۴۲). این متغیرها در متون موردنقد یا اصلاً استفاده نشده‌اند یا از طریق تحلیل بارش و دمای امروزی و تعمیم نتایج به دوره‌های گذشته مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

## ۹.۵ فاصله استقرارها از یک‌دیگر

محاسبه این متغیر فضایی با اندازه‌گیری فاصله مکانی استقرارها از یک‌دیگر در منطقه موردنظر به دست می‌آید که داده‌های حاصل را می‌توان در جهت نظریه‌هایی هم‌چون مکان مرکزی و سلسله‌مراتب فضایی و استقراری تحلیل و تفسیر کرد (Hodder and Orton 1976). در این بخش از تحلیل باید به نوع استقرارها از نظر دائمی و موقتی بودن توجه کرد (Mortensen 1983). این متغیر در اغلب متون موردنقد به خوبی تحلیل نشده است و در برخی از آن‌ها با اعمال روش‌های ساده نتایجی حاصل شده است که اعتبار علمی چندانی ندارند. گاهی برخی از پژوهش‌گران موردنظر با وجود آگاهی از اطلاعات ناقص در زمینه تعداد، اندازه، و عملکرد استقرارها در یک منطقه حتی با وجود اطلاع از مشکلات گاه‌نگاری و عدم بازسازی چشم‌اندازهای باستانی به تحلیل‌های مکان مرکزی و نظام سلسله‌مراتب استقراری مبادرت ورزیده‌اند.

## ۶. نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که شکل و محتوای اغلب متون موردنقد بیش‌تر دارای جنبه‌های توصیفی است. رویکرد الگوی استقرار در باستان‌شناسی در پژوهش‌های داخلی با دو مسئله روش‌شناختی و مفهومی روبه‌روست. مشکلات بخش روش‌شناختی عبارت‌اند از: ۱. کم‌توجهی به برخی از موضوعات مهم و روش‌های بنیادین باستان‌شناسی الگوی استقرار؛ ۲. به‌کارگیری معادل‌های گوناگون و گاه متناقض واژه‌های تخصصی این حوزه پژوهشی؛ ۳. عدم توازن در مطالعات میدانی (توجه نامتعادل پژوهشی به محوطه‌ها و مناطق) به دلیل گرایش‌ها و تمایلات شخص پژوهش‌گر یا نهادهای تصمیم‌گیر و مسئول؛ ۴. وجود مشکل در اجرای برنامه‌های جامع، گسترده، و دامنه‌دار؛ ۵. مشکلات گاه‌نگاری: الف. محدود بودن و عدم جامعیت و روش‌مندی داده‌های سطحی مکشوفه و غیرقابل استفاده بودن آن‌ها در بازسازی تاریخ فرهنگ و گاه‌نگاری محوطه و منطقه، ب. ناتوانی در درک فرایند تحولات اقتصادی، اجتماعی، و فناوری جوامع در بستر تقدم و تأخر، به دلیل کمبود و تناقض گاه‌نگاری‌های مطلق؛ ۶. کمبود یا فقدان مطالعات دیرین‌اقلیم‌شناسی، باستان‌گیاه‌شناسی، باستان‌جانورشناسی، دیرین‌آب‌شناسی، باستان‌زمین‌شناسی؛ ۷. ناکافی بودن داده‌های سطحی برای تحلیل و بازسازی فرایندهای مربوط؛ ۸. کمبود پژوهش‌های میان‌رشته‌ای نظیر قوم‌باستان‌شناسی.

معضلات بخش مفهومی نیز عبارت اند از: ۱. درک ناکافی از مبحث مورد نظر؛ ۲. نامشخص بودن مفهوم الگوی استقرار در باستان‌شناسی، به‌ویژه از دیدگاه میان‌رشته‌ای؛ ۳. تأکید بیش از حد بر نقش عوامل محیطی در تحلیل‌ها و بی‌توجهی به مقوله استقرار در قالب سازه‌های منفرد و استقرار در مقیاس منطقه‌ای و اجتماعی؛ ۴. تکیه بر متغیرهای زیست‌محیطی کنونی به‌جای بازسازی متغیرهای محیطی گذشته از طریق پژوهش‌های مختلف دیرینه‌شناسی؛ ۵. انجام مطالعات تخمین جمعیت و وسعت استقرار منطقه‌ای با استفاده از محاسبه‌ای ساده و بدون استفاده از روش‌هایی چون ارزیابی منابع زیست‌محیطی، شرایط اقتصادی، چگونگی معیشت، سطح فناوری جامعه، و نیز میزان پیچیدگی‌های اجتماعی و مذهبی؛ ۶. کم‌توجهی به تأثیر عوامل بازدارنده (از قبیل عملیات عمرانی، فعالیت‌های مخرب انسانی، حوادث طبیعی، رسوب‌گذاری، و مدفون‌شدن بقایای کهن‌تر زیر لایه‌های بالایی) در بازسازی روابط محیط اجتماعی و طبیعی.

بنابراین، اتخاذ تدابیر راه‌بردی در ابعاد نظری و عملی و پرسش‌محوری در باستان‌شناسی کشور، به‌منظور بهره‌برداری درست و علمی از این روش، ضروری است. شناخت عوامل و متغیرهای محیطی در بستر و چشم‌انداز باستانی به روش‌های علمی زیادی وابسته است که تولید داده‌های علمی در این زمینه‌ها نیازمند اعتبارات زیادی است. ارتقای جایگاه و اهمیت باستان‌شناسی در اسناد توسعه پایدار و نقشه جامع علمی کشور زمینه را برای جلب حمایت‌های مالی فراهم خواهد کرد. پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌های مرتبط و دانشگاه‌های مجری باستان‌شناسی مسئولیت و نقش مهمی را در فهم درست و علمی از این موضوع برعهده دارند که می‌توانند این امر خطیر را از طریق همایش‌ها، نشست‌ها، کارگاه‌های آموزشی، و برنامه‌های پژوهشی در سطوح تحصیلات تکمیلی اجرایی کنند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. هدف اولیه نگارندگان مقاله بررسی کلیه متون فارسی مربوط به روش تحلیل الگوی استقرار به‌منظور انجام یک تحقیق فراتحلیل (ترکیب، یک‌پارچه‌سازی، و دست‌یابی به نتایج جدید) بوده است، اما در مراحل ابتدایی تحقیق اشکالاتی در اغلب متون مورد مطالعه آشکار شد که مسیر پژوهش را تغییر داد. مقاله حاضر به‌هیچ‌وجه قصد نقد متن و نویسنده مشخصی را ندارد و مهم‌ترین انگیزه نویسندگان این مقاله نقد این موضوع پرکاربرد در متون باستان‌شناسی ایران، شناخت مشکلات پیش‌روی پژوهش‌گران، و ارائه راه‌کارهای لازم است. لذا، مراتب سپاس خود

- را به تمامی کسانی که به صورت علمی و مطلوب در این زمینه نگاشتند اعلام می‌دارند و همگان را به سعه صدر علمی به منظور اصلاح فرایندهای پژوهشی دعوت می‌کنند.
۲. مجلات و تعداد مقالات عبارت‌اند از: پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (۱۲)، مطالعات باستان‌شناسی (۱۰)، پیام باستان‌شناس (۴)، جستارهای باستان‌شناسی پیش از اسلام ایران (۳)، باستان‌شناسی پارسه (۲)، کواترنری ایران (۱)، پژوهش‌های جغرافیای طبیعی (۱)، و جامعه‌شناسی تاریخی (۱).
۳. شاخص منحنی لورنز تراکم کم، نسبی، و بالایی میزان جمعیت در هریک از روستاها را مشخص می‌کند. شاخص توزیع نقطه‌ای موجب شناسایی و ارزیابی پراکندگی روستاها در فضای جغرافیایی می‌شود. شاخص پراکندگی نزدیک‌ترین همسایه نیز برای درک فاصله و الگوی قرارگیری روستاها از هم‌دیگر و شناخت تصادفی، غیرتصادفی، یک‌نواخت، و متمرکز بودن پراکندگی فضایی روستاها مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۴. البته انتشار نتایج مطالعات الگوی استقرار در مجلات علمی - پژوهشی از نظر حجم متن و تعداد کلمات محدودیت‌هایی دارد، ولی دست نویسنده در سایر اشکال متون نظیر پایان‌نامه، رساله، گزارش، و کتاب باز است.

## کتاب‌نامه

- رنفریو، کالین و پال بان (۱۳۹۰)، مفاهیم بنیادی در باستان‌شناسی، ترجمه اکبر پورفرج و سمیه عدیلی، تهران: سمیرا.
- سبزی‌پور، علی‌اکبر و جلیل هلالی (۱۳۹۳)، مبانی اولیه هواشناسی و آلودگی هوا، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- سرشوق، مژگان، محمدحسن صالحی، و حبیب‌الله بیگی (۱۳۹۱)، «اثر جهت و موقعیت شیب بر توزیع اندازه ذرات خاک‌ها در منطقه چلگرد استان چهارمحال و بختیاری»، مجله پژوهش‌های حفاظت آب و خاک، س ۱۹، ش ۳.
- عظیمی، نورالدین (۱۳۸۰)، «الگوی استقرار سکونتگاه‌های روستایی در منطقه کوهستانی زاگرس مرکزی: مطالعه موردی بخش سرشیو مریوان»، فضای جغرافیایی، ش ۱.
- علی‌بیگی، سجاد و شکوه خسروی (۱۳۸۷)، «تپه باستانی مدرسه بعثت کوشکک، شهریار: دشواری‌هایی در تدوین گاه‌نگاری منطقه‌ای و تغییر الگوی استقرار دوره‌های نوسنگی و مس و سنگ در شمال فلات مرکزی ایران»، دوفصل‌نامه باستان‌پژوهی، پیاپی ۱۷.
- فاگان، برایان (۱۳۸۵)، سرآغاز: درآمدی بر باستان‌شناسی (اصول، مبانی، و روش‌ها)، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران: سمت.

نقد رویکرد تحلیل الگوی استقرار ... (رحمت عباس نژاد سرستی و دیگران) ۲۴۷

فرهودی، رحمت‌الله (۱۳۷۰)، «اطلس شیب ایران و نتایج مساحی آن»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، پیاپی ۲۷.

لباف خانیکی، میثم (۱۳۸۵)، «باستان‌شناسی زمین‌سیما»، دوفصل‌نامه تخصصی پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای، ش ۴.

مقصودی، مهران و دیگران (۱۳۹۱)، «نقش ساختارهای طبیعی در الگوی استقرار محوطه‌های پیش از تاریخ دشت تهران با استفاده از GIS»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، س ۱۶، ش ۴.

نقی‌پور دهکردی، پگاه، سرور خرم‌دل، علی بیجندی (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر تغییر اقلیم با تأکید بر بحران آب و راه‌کارهای تخفیف آن»، در: مجموعه مقالات دومین همایش ملی بحران آب (تغییر اقلیم، آب، و محیط زیست)، شهرکرد.

نیک‌نامی، کمال‌الدین (۱۳۸۵)، «مبانی نظری باستان‌شناسی پهن‌دشت»، دوفصل‌نامه تخصصی پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای، ش ۳.

نیک‌نامی، کمال‌الدین، محمدرحیم صراف، و یعقوب محمدی‌فر (۱۳۸۵)، «تحلیل باستان‌شناختی استقرارهای اشکانی در زاگرس مرکزی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۵۷، ش ۵.

نیک‌نامی، کمال‌الدین و دیگران (۱۳۸۶)، «تئوری‌ها و تکنیک‌های مدل‌سازی پیش‌بینی (تخمین) مکان‌ها و پراکنش‌های سایت‌های پیش از تاریخی در پهن‌دشت‌های باستان‌شناختی با کاربرد GIS و رگرسیون لجستیک، مطالعه موردی: حوضه رودخانه گاماسب زاگرس مرکزی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۵۷، ش ۵.

Adams, R. M. (1965), *Land Behind Baghdad: A History of Settlement on the Diyala Plains*, University of Chicago Press.

Chang, K. C. (1958), "Study of Neolithic Social Groupings: Examples from the New World", *American Anthropology*, vol. 60.

Christaller, W. (1966), *Central Places in Southern Germany*, C. W. Baskin (trans.), Englewood Cliffs: Printing Hall.

Darvill, T. (2002), *The Concise Oxford Dictionary of Archaeology*, New York: Oxford University Press.

Fletcher, R. (1986), "Settlement Archaeology: World-Wide Comparisons", *Perspectives in World Archaeology*, vol. 18.

Greenfield, H. J., V. Schalkwyk, and O. Leonard (2008), *Early Iron Age Regional Settlement and Demographic Patterns along the Eastern Seaboard of South Africa: A View from the Lower Thukela River Valley*, Oxford: Archaeopress.

Hodder, I. and C. Orton (1976), *Spatial Analysis in Archaeology*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Hole, F., K. V. Flannery, and J. A. Neely (1969), *Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain, Memoir no. 1*, Ann Arbor: University of Michigan, Museum of Anthropology.
- Johnson, G. A. (1977), "Aspects of Regional Analysis in Archaeology", *Annual Review of Anthropology*, no. 6.
- Kandel, A. W. and N. J. Conard (2012), "Settlement Patterns during the Earlier and Middle Stone Age around Langebaan Lagoon, Western Cape (South Africa)", *Quaternary International*, vol. 270.
- Kirkby, M. J. (1977), "Land and Water Resources of the Deh Luran and Khuzistan Plains", in: *Studies in the Archaeological History of the Deh Luran Plain, Memoir*, no. 9, F. Hole (ed.), Ann Arbor: University of Michigan, Museum of Anthropology.
- Mortensen, P. (1983), "Patterns of Interactions between Seasonal Settlements and Early Villages in Mesopotamia", in: *The Hilly Flanks and Beyond: Essays on the Prehistory of Southwestern Asia*, T. C. Young, P. E. L. Smith, and P. Mortensen (eds.), Chicago.
- Parsons, J. R. (1972), "Archaeological Settlement Patterns", *Annual Review of Anthropology*, no. 1.
- Robbins, M. C. (1966), "House Types and Settlement Patterns: an Application of Ethnology to Archaeological Interpretations", *The Minnesota Archaeologist*, vol. 28.
- Roberts, B. K. (2003), *Landscapes of Settlement, Prehistory to the Present*, London and New York: Taylor & Francis e-Library.
- Sanders, W. T. (1965), *The Cultural Ecology of the Teotihuacan Valley*, Park State University, Department of Social Anthropology.
- Sumner, W. M. (1972), *Cultural Development in the Kur River Basin, Iran: An Archaeological Analysis of Settlement Patterns*, Ph.D Dissertation, University of Pennsylvania.
- Sumner, W. M. (1979), "Estimating Population by Analogy: An Example", in: *Ethnoarchaeology: Implications of Ethnography for Archaeology*, C. Kramer (ed.), New York: Columbia University Press.
- Trigger, B. G. (1967), "Settlement Archaeology: Its Goal and Promise", *American Antiquity*, vol. 32, no. 2.
- Underhill, A. P. et al. (2008), "Changes in Regional Settlement Patterns and the Development of Complex Societies in Southeastern Shandong, China", *Journal of Anthropological Archaeology*, vol. 27, no. 1.
- Volta, B. P. (2007), *Archaeological Settlement Patterns in the Kingdom of the Avocado. M. A. Dissertation in Anthropology*, San Diego: University of California.
- Willey, G. R. (1953), *Prehistoric Settlement Patterns in the Viru Valley, Peru, Bureau of American Ethnology Bulletin*, vol. 155, Washington, D.C.: Smithsonian Institution 4.
- Wright, H. T. and G. A. Johnson (1975), "Population, Exchange, and Early State Formation in Southwestern Iran", *American Anthropologist*, no. 7.